

## **Criminal Responsibility Policies for Crimes Against the Persons with Disabilities And Differential Criminal, Judicial and Moral Protection of Them**

Abbas zeraat\*

Mohammad Sadeq Chavoshi\*\*

Hadi Keramati moez\*\*\*

Received: 2019/05/03

Accepted: 2019/08/28

Disabled people as a vulnerable group of society suffer from various physical and mental problems. In case crimes against fundamental rights, against physical integrity, against financial rights and against sexual integrity of persons with disabilities are committed, criminal responsibility policies must be supportive and protective of them; the most important law on the rights of persons with disabilities in Iran is the Law on the Protection of the Rights of Disabled Persons that was passed by the Islamic Parliament on 10 March 2018, and approved by the Guardian Council on 12 April 2018. Through the perspective of welfare and protection, this law requires all governmental and nongovernmental organizations to protect cultural, educational, economic, and social rights of people with disabilities. The adoption of this law is, in fact, a very positive step towards the promotion of the rights of persons with disabilities in Iran. Despite its positive points, there are some problems such as the lack of effective criminal enforcement guarantee as well as the lack of differential judicial and extrajudicial protection. On the one hand, Iran's criminal laws have only focused on the crime and the punishment for the offender, and thus the victim persons with disabilities have been forgotten and ignored by adopting a crime-based approach. It is while in the Modern Criminal Law, one of the major missions of the substantive and procedural criminal law is protecting the disabled persons though passing a regulation that involves the most protection for these victims. Therefore, what should be considered by the legislature is that the status of the person with disabilities should be under attention and thereby take their vulnerability to the occurrence of a crime as the strict position of the legislature. In this article, the authors aim to investigate criminal responsibility policies for crimes against the disabled persons as well as providing differential criminal, judicial and Moral protection of them with the analytical-descriptive method and finally analyze the problem of this vulnerable group of society

**Keywords:** Disabled Persons, Criminal Protection, Judicial Protection , Moral Protection, Law on the Protection of the Rights of Disabled Persons.

---

\* Professor of Criminal Law and Criminology, Kashan University, Kashan, Iran.

zeraat@kashanu.ac.ir

\*\* Ph.D. student of criminal law and criminal law, University of Justice, Tehran, Iran  
(Corresponding Author).

M.chavooshi1363@yahoo.com

\*\*\* University lecturer and researcher Ph.D. in Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran, Iran.

keramatihadi@ut.ac.ir

## سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرایم ارتكابی علیه ناتوانان و حمایت‌های کیفری؛ قضایی و فراقضایی افتراقی از آنان

عباس زراعت\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۳

محمدصادق چاووشی\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۶

هادی کرامتی معز\*\*\*

### چکیده

ناتوانان به عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه از مشکلات گوناگون جسمانی و روانی رنج می‌برند و جرایم علیه حقوق اساسی، علیه تمامیت جسمانی، علیه حقوق مالی و علیه تمامیت جنسی ناتوانان ارتكاب می‌یابد و سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال آنان باید حمایتی و ویژه باشد؛ مهم‌ترین قانون در زمینه حقوق ناتوانان در ایران؛ قانون حمایت از حقوق معلولان است که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۲ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است؛ این قانون با نگاه رفاهی و حمایتی تمام نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی را مکلف به حمایت از حقوق فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی معلولان می‌نماید؛ تصویب این قانون در حقیقت گامی بسیار مثبت در جهت اعتلای حقوق ناتوانان در ایران تلقی می‌شود اما علی‌رغم نکات مثبت دارای اشکالاتی نظیر فقدان ضمانت اجرای کیفری مؤثر و همچنین خلاء حمایت‌های قضایی و فراقضایی افتراقی است؛ از طرفی قوانین کیفری ایران در وضع مقررات، تنها به وضع جرم و تعیین مجازات برای مرتکب آن توجه داشته و با اتخاذ رویکردی جرم‌مدار، ناتوانان بزه‌دیده آسیب‌پذیر را به فراموشی سپرده و نادیده انگاشته است؛ حال آنکه، در حقوق کیفری مدرن یکی از رسالت‌های مهم حقوق کیفری ماهوی و شکلی، حمایت از ناتوانان در پرتو وضع مقرراتی است که متضمن بیشترین حمایت از این بزه‌دیدگان باشند؛ بنابراین، آنچه که باید از منظر قانون‌گذار موضوعیت داشته باشد آن است که وضعیت ناتوانان در کانون توجه قرار گرفته و از این رهگذر، آسیب‌پذیری خود را در برابر وقوع جرم معیار موضع‌گیری توأم با شدت عمل مقنن قرار گیرد؛ از این رو نگارندگان در این مقاله پژوهشی با هدف واکاوی سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرایم ارتكابی علیه ناتوانان و همچنین ارائه حمایت‌های کیفری؛ قضایی و فراقضایی افتراقی از آنان با روش تحلیلی - توصیفی به تحلیل موضوع این قشر آسیب‌پذیر جامعه پرداخته‌اند.

**واژگان کلیدی:** ناتوانان، حمایت کیفری؛ حمایت قضایی، قانون حمایت از حقوق ناتوانان.

\* استاد تمام گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. zeraat@Kashanu.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

M.chavooshi1363@yahoo.com

\*\*\* مدرس دانشگاه و پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران. keramatihadi@ut.ac.ir

## مقدمه

معلولیت عنوانی است که ما برای هر کس که ناتوان است، بکار می‌گیریم، ناتوان از انجام کارهای روزانه، ناتوان از سازگاری با دیگران و... با وجود این، ما چقدر در درک آنها، توانا هستیم و چقدر می‌توانیم در کنار آنها زندگی کنیم و چقدر می‌توانیم حامی آنها باشیم؟ معلولیت عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل ذهنی، جسمی و اجتماعی و یا ترکیبی از آنها که به نحوی در زندگی شخصی اثر سوء دارد و مانع از ادامه زندگی وی به صورت طبیعی می‌گردد و غالباً به دلیل عدم امکان زندگی مستقل از نظر شخصی و اجتماعی نیازمند خدمات ویژه‌ای چه از بابت ادامه زندگی و چه از نظر اجتماعی می‌باشند (حسینی و صفری، ۱۳۸۷، صص. ۲۶۷-۲۶۸).

به عبارتی، معلولیت نوعی ناتوانی در مواجهه مساوی با مشکلات و موانع می‌باشد که بخش زیادی از افراد جامعه را دربر می‌گیرد. در حقوق مدرن بزهکاران، زنان و کودکان آسیب‌پذیر و افرادی که توانایی اداره کردن زندگی خود را به شکل سازگارانه ندارند، در زمره معلولان قرار می‌گیرند. هر چند جوامع قابلیت پذیرش آن را با تکیه بر منطق فعلی ندارند.

افراد معلول از لحاظ نوع معلولیت دامنه گسترده‌ای دارند و نیازمندی‌های این افراد در ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی نیز گسترده و هزینه‌بر می‌باشد و بنابراین، قائل شدن به حقوق اساسی به موازات تصویب‌نامه‌های حقوق بشری نیازمند این خواهد بود که جوامع رویکرد حق‌مدارانه اقشار معلول و ضعیف جامعه را به رسمیت بشناسد، معیاری که نشان‌دهنده دستیابی جوامع به این امر باشد، می‌تواند شامل موارد تنظیم قوانین حمایتی از اقشار محروم و معلول (برای دستیابی به حقوق مساوی)، اجرای قوانین حمایتی، تعریف نوع روابط افراد معلول نسبت به سازمان‌ها و تسهیل این روابط) و در کل ایجاد ساختارهای سازگار با افراد معلول، به گونه‌ای که امکان دسترسی به حقوق اساسی را به تمامی افراد جامعه به یک‌اندازه منطقی فراهم کند.

از این‌رو، در حال حاضر اگرچه نهادهای حامی افراد معلول، به وجود آمده‌اند و یا قوانین حمایتی از افراد معلول وضع شده‌اند و حتی بیانیه‌ها و قوانین بین‌المللی سخت‌گیرانه‌تری در برآوردن حقوق افراد معلول به وجود آمده‌اند که کشورهای عضو ملزم به رعایت این قوانین هستند. اما باید اذعان کرد حقوق افراد معلول در اغلب موارد

به شکل گسترده‌ای نقض می‌شود.

حال آنکه عدم تحول نهاد قضایی و سیستم‌های حمایتی در جهت نیل به اهداف برآورده کردن حقوق مساوی، در حمایت از افراد معلول باعث شده است که مجرای مناسبی برای رسیدن به حقوق مساوی به وجود نیاید. به عبارتی، سیستم‌های قضایی از جنبه‌های مختلف دچار محدودیت هستند که هر کدام از آنها شرایط را برای تحول جامعه بسوی حقوق مساوی در جهت حمایت از افراد معلول، بدتر می‌کند. اولین محدودیت در مسیر تحول سیستم‌های حمایتی قضایی می‌تواند به جامعیت قانون مرتبط باشد.

قانون حمایت از حقوق معلولان ایران که اخیراً در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ تصویب شده بیش از آنکه قانونی حق‌محور باشد و بر شناسایی و تضمین حقوقی برابر با افراد عادی تأکید کند، نگاهی رفاهی به موضوع دارد. این قانون به لحاظ حقوقی و قضایی، تحولی نداشته است، به عبارتی، نه از جنبه ماهوی و نه از جنبه شکلی تأثیری از کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت پذیرفته و فقط از نقطه‌نظر رفاهی و اجتماعی هم‌گرایی محسوسی با کنوانسیون داشته است.

با این اوصاف نگارنده در پی پاسخگویی به سؤال‌های اصلی است که مقنن چه سیاستی در قبال جرایم ارتكابی علیه معلولان داشته است؟ و همچنین قانون‌گذار چه حمایت‌های کیفری؛ قضایی و فراقضایی افتراقی نسبت به معلولان داشته است؟

#### ۱. سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال جرایم ارتكابی علیه ناتوانان

اشخاص دارای ناتوانی‌های جسمانی و روانی به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار انسانی تلقی می‌شوند که از مشکلات گوناگون جسمانی و روانی رنج می‌برند.<sup>۱</sup> این اشخاص به لحاظ داشتن وضعیت متفاوت و خاص نیازمند بهره‌مندی از برنامه‌ها و تدابیر حمایتی ویژه و افتراقی‌اند، به گونه‌ای که این امر یعنی مسئله معلولان، پیشگیری از ناتوانی، بازپروری، برابر کردن فرصت‌ها برای معلولان و به طور کلی حمایت از آنان توجه خاص مجامع بین‌المللی و داخلی را به خود واداشته است.

جرایم علیه ناتوان نه تنها از سوی نظام عدالت کیفری - آن‌گونه که شایسته است - مورد توجه قرار نگرفته بلکه از منظر جامعه نیز جرایمی کم اهمیت تلقی می‌شوند. به سخن دیگر، جامعه بیشتر اوقات بزه‌دیده شدن فرد ناتوان را مسئله‌ای طبیعی ناشی از معلولیت وی

قلمداد می‌کند و بنابراین وقوع برخی خشونت‌ها، سوءرفتارها، سوءمعاشرت‌ها و محرومیت‌ها نسبت به ناتوانان را فاقد عنوان مجرمانه می‌پندارد. بدین‌سان، اغلب بر جرایمی که علیه افراد مبتلا به ناتوانی ارتکاب می‌یابند، برچسب مسامحه، سهل‌انگاری، غفلت یا کژروی الصاق می‌شود. باری، جامعه با سلب وصف مجرمانه از سوءرفتارهایی که علیه ناتوانان ارتکاب می‌یابند، رویکردی توأم با تسامح را نسبت به مرتکبین چنین اعمالی اتخاذ می‌کند. این در حالی است که به نظر می‌رسد بر پایه نگرش ملهم از تئوری تساهل صفر باید جامعه هر گونه سوءرفتار نسبت به این افراد آسیب‌پذیر را برنتابد و انتظار برخورد کیفری شدید با مرتکبین داشته باشد (Pedhy, 2006, p. 235).

در خصوص آمار تعداد جمعیت افراد ناتوان در سطح جهان، گزارشات حاکی از رقم تقریبی ۱۰ درصدی است. «بنا به گزارش سازمان ملل متحد بیش از ششصد میلیون نفر، یعنی حدود ۱۰ درصد از جمعیت جهان گرفتار گونه‌ای معلولیت و کم‌توانی جسمی و یا ذهنی هستند که دو سوم آنها در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. حدود ۹۸ درصد کودکان دچار کم‌توانی جسمی و یا ذهنی در کشورهای در حال توسعه از دریافت هر گونه آموزش و پرورش و امکانات توان‌بخشی محروم هستند» (قاری سیدمحمدی، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۷) یا در جایی دیگر آمده است که «بیش از ۵۰۰ میلیون نفر در جهان به دلیل آسیب جسمی، روانی یا فیزیکی ناتوان هستند» (مصفا، ۱۳۸۱، ص. ۲۴۵).

با این اوصاف، اگرچه در گذشته توجه به ناتوانان و حمایت از آنان در سطوح بین‌المللی و داخلی در قالب قواعد و مقررات عمومی بوده است اما امروزه یعنی از نیمه دوم قرن بیستم میلادی تا کنون نه تنها در سطح سازمان ملل متحد بلکه در سطح حقوق داخلی نیز شاهد تدوین قوانین و مقررات متعدد در این راستا هستیم. به عنوان مثال، در سطح سازمان ملل متحد می‌توان به نمونه‌هایی از این اسناد اشاره نمود: ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، اعلامیه حقوق عقب‌ماندگی ذهنی ۱۹۷۱، اعلامیه حقوق ناتوانان ۱۹۷۵، قواعد استاندارد برابری فرصت‌ها برای اشخاص معلول ۱۹۹۳، کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت ۲۰۰۶؛ در نظام حقوقی ایران برای نمونه، می‌توان به ترتیب از قانون جامع حمایت از معلولان ۱۳۸۳ و قانون حمایت از حقوق معلولان که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۰ در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۹۷/۱/۲۲ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است؛ اشاره کرد.

### ۱-۱. جرایم علیه حقوق اساسی ناتوانان و سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال آن

از آنجایی که یکی از مقوله‌های حقوق بشری، اصل برابری حقوق شهروندی است، یعنی معلولان نیز باید در برابر سایر شهروندان از حقوق مساوی و یکسان برخوردار شوند. اما همان‌طوری که برخی از نویسندگان گفته‌اند: «اصل دکترینی برابری نباید مانع از حمایت‌های افزون‌تر از معلولان گردد. به عبارت دیگر، «رفتار برابر» با معلولان موجه نیست بلکه رفتار به «مثابه برابر» موجه و قابل قبول است. اصطلاح رفتار به «مثابه برابر» یکی از مفاهیم مدرن و دستاوردهای حقوق بشری معاصر است که راه را برای اعمال تبعیض مثبت (تبعیض معکوس) معروف به «اقدامات حمایتی افزون از قشرهای کم‌توان جامعه» باز می‌کند» (قاری سیدمحمدی، ۱۳۸۷، ص. ۱۹۵).

حمایت مثبت از معلولان در جهت جبران نابرابری‌ها از مصادیق بارز تبعیض معکوس است که در بند ۴ ماده ۵ کنوانسیون حقوق اشخاص دارای معلولیت سال ۲۰۰۶ مورد پذیرش قرار گرفته است. بر اساس این بند، «اقدامات ویژه حمایتی که برای وصول به برابری عملی صورت می‌گیرند، نباید تبعیض ناموجه به شمار آیند» (محمدی، ۱۳۹۴، ص. ۲۵۲).

معلولان اعم از جسمانی و روانی به لحاظ وضعیت و ویژگی‌های خاصشان در معرض انواع بزه‌دیدگی‌ها قرار دارند. به همین خاطر، بایستی از آنها به عنوان یکی از آماج بالقوه بزه‌دیدگی حمایت‌های ویژه و افتراقی به عمل آید. معلولان از جهات مختلف جسمانی، روانی، عاطفی، مالی و غیره آسیب‌پذیر هستند و همچنین به نظر می‌رسد که آثار زیان‌بار سوءاستفاده از معلولان بیشتر از سایر گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله کودکان، زنان و پیران باشد.

به طور کلی، با توجه به اسناد متعدد سازمان ملل متحد و نیز قوانین و مقررات گوناگون کشورها از جمله ایران و انگلستان در راستای حمایت از ناتوانان، پیشگیری از ناتوانی و بازپروری آنان و تضمین همه‌جانبه حقوق و آزادی‌های آنان، «سوءاستفاده از معلولان» و یا به تعبیری «معلول‌آزاری» را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «هر گونه سوءاستفاده، بهره‌کشی و یا غفلت از معلولان اعم از سوءاستفاده جسمی، روانی - عاطفی، مالی، اجتماعی توسط والدین، سرپرستان و یا دیگران که باعث ایراد آسیب به سلامت و

امنیتشان شود».

موضوع معلولان و حمایت از حقوق انسانی آنها یکی از مسائل بسیار اساسی نه تنها در عرصه بین‌المللی بلکه حتی در حقوق داخلی کشورهایی مانند ایران و انگلستان تلقی می‌شود. سازمان ملل متحد و حتی سازمان‌های منطقه‌ای مانند شورای اروپا و یا اتحادیه اروپا اقدام به تدوین اسناد متعدد درباره معلولان و حمایت همه‌جانبه و ویژه از آنان نموده‌اند (زرنشان، ۱۳۸۷، ص. ۲۵۱).

پیشرفت‌ها و تحولات حاصله در خصوص تأمین حقوق ناتوانان و فراهم نمودن زمینه حمایت‌های گوناگون از آنان در سیاست جنایی دو کشور ایران و انگلستان از یک سو، بسیار وسیع و چشمگیر و از سوی دیگر، نسبتاً یکسان و برابر بوده است. با این وجود، باید اذعان نمود که در حقوق کیفری هر دو کشور، حمایت کیفری ماهوی افتراقی جامع و نظامند بر پایه معیار آسیب‌شناسنامه یعنی ناتوانی صورت نگرفته است.

به عبارت دیگر، نمی‌توان صحبت از وجود سیاست جنایی ویژه از باب حمایت کیفری ماهوی از ناتوانان در این دو کشور را به میان آورد. زیرا، دایره چنین حمایتی در حقوق کیفری این دو کشور تنها به موارد خاص و اندکی - البته به طور متفاوت - محدود می‌شود. اما وجه ممیزه حقوق کیفری ایران نسبت به جرایم ارتكابی علیه معلولان در مقایسه با انگلستان این است که قانون‌گذار ایران حمایت کیفری از ناتوانان را به صورت پراکنده و سلیقه‌ای بیان نموده و مهم‌تر اینکه این حمایت‌ها به طور صریح و واضح بیان نشده است. بلکه اغلب به طور ضمنی از برخی از مواد قانون مجازات اسلامی و قوانین دیگر می‌توان چنین برداشتی را کرد.

معلولان اعم از جسمانی و روانی به دلیل اینکه از یک سو، بیشتر تحت مراقبت و کنترل هستند و با محیط بیرون از خانه و سرپرستی‌شان کمتر ارتباط دارند و از سوی دیگر، ناتوانان به ویژه جسمانی که به لحاظ وضعیت خاص شان و وابستگی به والدین یا سرپرستان احساس شرم و خجالت‌زدگی می‌کنند، بیشتر محتاج مهر و محبت و عطف و دلگرمی از سوی والدین یا سرپرستان‌شان هستند. با این اوصاف، «سوءاستفاده روانی - عاطفی از معلولان» عبارتست از «هر گونه بدرفتاری عاطفی و روانی با معلولان که به رشد سلامت شناختی، فکری و عاطفی وی آسیب وارد نماید». نمونه‌هایی از اشکال بدرفتاری عاطفی با معلولان عبارتند از: مهر نوزیدن، نوازش نکردن، سرزنش کردن، طرد

نمودن، اذیت و آزار کلامی، کنترل شدید و غیرمتعارف، داد و فریاد زدن. در قوانین ایران، می‌توان به ماده ۶۳۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات اشاره کرد که بیانگر حمایت کیفری ویژه از تمامیت روانی و عاطفی معلولان از حقوق اساسی‌شان می‌باشد. به موجب این ماده، هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری، شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی خالی از سکنه رها نماید به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و یا به جزای نقدی... محکوم می‌شود و اگر در آبادی و جائی که دارای سکنه است رها کنند تا نصف مجازات مذکور محکوم می‌شود. معلولان از جمله افرادی هستند که به لحاظ ضعف توانایی جسمی و یا ذهنی قادر به محافظت و نگهداری خودشان نیستند. در انگلستان، بندهای ۱ و ۲، ماده ۱۲۶ قانون سلامت روانی ۱۹۵۹ تنها مقرر قانونی است که بیانگر حمایت ویژه از تمامیت عاطفی و روانی اشخاص ناتوان روانی در برابر هر گونه سوءاستفاده و یا غفلت عمدی می‌باشد. اصطلاح «بدرفتاری» و یا «غفلت» یک عبارت عام و مطلق است که شامل خشونت و بدرفتاری روانی نیز می‌شود.

معلولان به دلیل ضعف و ناتوانی شدید بیش از پیش نیازمند توجه و مراقبت اساسی هستند؛ سوءاستفاده ناشی از غفلت نسبت به ناتوان عبارتست از: «کوتاهی یا قصور فاحش والدین یا سرپرستان ناتوان در محیط خانه، آموزشی، درمانی و غیره در برآورده نمودن نیازهای اساسی مختلف آنان به گونه‌ای که احتمالاً منجر به آسیب به رشد و سلامت آنان شود» (کرامتی معز و عبدالهی، ۱۳۹۶، ص. ۵۶).

بنابراین، در حقوق کیفری ایران، حمایت کیفری ماهوی افتراقی از معلولان در برابر سوءاستفاده علیه آنان بسیار محدود است در حالی که در موارد ذیل حمایت کیفری ویژه از آنان در قالب تشدید مجازات و یا جرم‌انگاری ضروری به نظر می‌رسد. این موارد عبارتند از: جرم‌انگاری و یا تشدید مجازات درخصوص هر گونه شکنجه و اذیت و آزار روحی و جسمی و سایر جرایم مرتبط مطابق موضوع مواد ۳، ۴، ۵، ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۸۵ نسبت به اشخاص معلول روانی و جسمانی؛ جرم‌انگاری خاص و یا تشدید مجازات بدرفتاری یا غفلت عمدی نسبت به معلولان توسط کارمند یا مدیر بیمارستان (با اقتباس از بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۶ قانون سلامت روانی ۱۹۵۹)؛



جرم‌انگاری خاص جرایم جنسی علیه معلولان (مطابق مواد ۱۲۷ و ۱۲۸ قانون سلامت روانی ۱۹۵۹، مواد ۱۴، ۱۵، ۹، ۲۱، ۲۷، ۲۹ قانون جرایم جنسی ۱۹۵۹ و مواد ۳۰ الی ۴۱ قانون جرایم جنسی ۲۰۰۳)؛ جرایم مرتبط با استخدام اشخاص معلول از جمله عدم استخدام و بکارگیری آنان در حدود سهمیه و یا قطع ادامه انجام فعالیت آنان بدون مجوز (با اقتباس از مواد ۹، ۱۲ و ۱۴ قانون استخدام اشخاص ناتوان ۱۹۴۴)؛ جرم‌انگاری امتناع از دادن اجازه بازرسی از مکان‌ها و مؤسسات نگهداری معلولان مانند خانه سالمندان از سوی مدیران و یا کارکنان آن مؤسسات (با اقتباس از ماده ۱۳۰ قانون سلامت روانی ۱۹۵۹)؛ جرم‌انگاری غفلت عمدی یا سوءرفتار نسبت به معلولین (با اقتباس از ماده ۴۴ قانون اهلیت روانی ۲۰۰۵ و ماده ۴۲ قانون بهداشت روانی ۲۰۰۷).

در سیاست کیفری ایران می‌توان به جرم‌انگاری خاص و یا تشدید مجازات جرم توهین، تعرض و یا تزاخم در اماکن عمومی نسبت به ناتوانان (مطابق ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)؛ تشدید مجازات جرم ربودن و یا مخفی کردن ناتوانان (مطابق قسمت آخر ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)؛ تشدید مجازات قاچاق ناتوانان (مطابق تبصره ۱ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان ۱۳۸۳)؛ جرم‌انگاری فراری دادن، ربودن، مخفی کردن ناتوانان تحت مراقبت در مکان‌ها و مؤسسات نگهداری آنان (با اقتباس از ماده ۳ قانون مراقبت از کودک، ۱۹۸۰)، جرم‌انگاری و یا تشدید مجازات هرزه‌نگاری ناتوانان و یا استفاده از آنان برای فساد و فحشا (مطابق مواد ۶۳۹ و ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)؛ تشدید مجازات استفاده از ناتوانان در امور سمعی و بصری غیرمجاز (مطابق تبصره ۳ بند (ب) ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری غیرمجاز فعالیت می‌نمایند مصوب ۱۳۸۶)؛ جرم‌انگاری سوءاستفاده از موقعیت نسبت به ناتوانان (با اقتباس از بند ۳ ماده ۴ قانون کلاهبرداری انگلستان مصوب ۲۰۰۶)؛ تشدید مجازات جرم سرقت موضوع مواد ۶۵۱ و ۶۵۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات)؛ در صورتی که متضمن اذیت و آزار و تهدید نسبت به معلولان باشد؛ جرم‌انگاری عدم ثبت مؤسسات و مکان‌های نگهداری ناتوانان (مطابق ماده ۴ قانون راجع به پرستاران و مراقبت‌کنندگان کودک ۱۹۴۸ و یا ماده ۳۷ قانون مساعدت ملی ۱۹۴۸)؛ تشدید مجازات جرم تهدید و اکراه موضوع مواد ۶۱۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات نسبت به ناتوان، تشدید مجازات جرم کیف‌زنی،

جیب‌بری نسبت به ناتوان موضوع ماده ۶۵۷ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات؛ تشدید مجازات جرم ورود غیرمجاز به مسکن یا منزل یا تصرف عدوانی و جرایم مرتبط نسبت به ناتوان موضوع مواد ۶۹۱، ۶۹۰، ۶۹۴ و ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات؛ تشدید مجازات در صورت بهره‌برداری از ناتوانان در خرید و فروش و عرضه مواد الکلی، تشدید مجازات در صورت استفاده از ناتوان در قاچاق مواد مخدر و ترغیب و تشویق آنان به استعمال این مواد؛ اشاره کرد.

#### ۱-۲. جرایم علیه تمامیت جسمانی ناتوانان و سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال آن

معلولان به ویژه ناتوانان جسمانی به دلیل ضعف و ناتوانی شدید فیزیکی و وابستگی گوناگون آنان به والدین یا سرپرستان ممکن است نرخ بالایی از سوءاستفاده جسمی را متحمل شوند.

سوءاستفاده جسمی از ناتوانان را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «بکارگیری هر گونه رفتار خشونت‌آمیز فیزیکی از سوی دیگران که مانع رشد سلامت جسمانی فرد ناتوان شود». نمونه‌هایی از اشکال تعرض بدنی به ناتوانان را می‌توان نام برد: سیلی‌زدن، قتل و ضرب و جرح آنان، مسموم کردن، داغ کردن، انداختن، ندادن غذا، قرار دادن آنها در یک مکان غیربهداشتی.

در نظام حقوقی ایران، تنها می‌توان به بند پ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد که بیانگر حمایت کیفی ویژه از تمامیت جسمانی ناتوانان می‌باشد. در انگلستان، بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۲۶ قانون سلامت روانی ۱۹۵۹ تنها مقرر قانونی است که به حمایت ویژه از تمامیت جسمانی و یا روانی اشخاص ناتوان روانی در برابر هر گونه سوءاستفاده و یا غفلت عمدی پرداخته است. مضمون ماده مذکور این است که چنانچه کسی به عنوان کارمند یا مأمور یا مدیر بیمارستان یا خانه پرستاری روانی، اقدام به بدرفتاری یا غفلت عمدی نسبت به شخص مبتلا اختلال روانی که تحت سرپرستی و درمان وی است، بنماید به مجازات مذکور در بند ۳ این ماده محکوم می‌شود. البته، مرتکب جرم موضوع این ماده، هر کسی نمی‌تواند باشد. بلکه تنها شخصی را می‌توان فاعل جرم موضوع ماده مذکور دانست که به نوعی دارای مسئولیت نگهداری و درمان شخص مبتلا به اختلال روانی است. به نظر می‌رسد که جرم‌انگاری خاص رفتار موضوع

ماده مذکور به دلیل اطمینان و اعتماد خاصی است که عموم افراد از این شخص در انجام وظیفه‌اش انتظار دارند چون در اینجا، شخص مرتکب فی الواقع، از اعتماد و اطمینان مردم به خودش سوءاستفاده نموده است. لذا، شایسته است که عمل چنین شخصی جرم شناخته شود؛ ماده فوق فقط به حمایت کیفری ویژه از شخص ناتوان روانی پرداخته است. بنابراین، شامل افراد ناتوان جسمانی نمی‌شود (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۱، صص. ۱۱۰-۱۱۱).

### ۳-۱. جرایم علیه حقوق مالی ناتوانان و سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال آن

ناتوانان همانند کودکان (راجع به اطلاعات بیشتر نسبت به بزه‌دیدگی کودکان: رک: کرامتی معز و عبدالمهی، ۱۳۹۷، صص. ۱۰۵-۱۳۱؛ کرامتی معز و چاووشی، ۱۳۹۷، الف، صص. ۱۰۵-۱۲۲؛ کرامتی معز و چاووشی، ۱۳۹۷، ب) به دلایلی مانند وابستگی اقتصادی به والدین یا سرپرستان، اجبار و تهدید، ضعف جسمانی و تحریک مورد بهره‌کشی و استثمار مالی قرار می‌گیرند.

سوءاستفاده مالی از ناتوان عبارتست از «هر گونه رفتار بهره‌کشانه از ناتوانان با هدف تحصیل سود و مزایای مالی». نمونه‌هایی از اشکال سوءاستفاده اقتصادی از ناتوانان عبارتند از: اجبار ناتوانان به ویژه روانی به کار کردن، بکارگیری ناتوانان روانی در مشاغل خطرناک و مضر، قاچاق ناتوانان به ویژه روانی به انگیزه لذت‌جویی جنسی با هدف کسب سود و مزیت مالی، عدم پرداخت حقوق و دستمزد ناتوانان، پرداخت دستمزد کم، سرقت اموال ناتوانان، کیف‌قاپی از ناتوانان جسمی، نقل و انتقال اجباری یا بدون رعایت مصلحت اموال و دارایی‌های ناتوان.

یکی از موارد حمایت کیفری ماهوی ویژه از ناتوانان در برابر سوءاستفاده اقتصادی در قوانین کیفری ایران، ماده ۵۹۶ قانون مجازات بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که در ارتباط با سوءاستفاده از ضعف نفس یا حوائج شخصی اشخاص غیر رشید است. این ماده فقط محدود به تحصیل نوشته یا سندی به ضرر اشخاص غیررشید با سوءاستفاده از ضعف نفس یا حوائج شخصی افراد غیررشید از جمله معلولان می‌شود و چنانچه مرتکب این جرم دارای سمت ولایت یا وصایت یا قیمومت بر مجنی علیه (غیررشید) باشد مجازات وی تشدید می‌شود.

قسمت صدر این ماده نوعی جرم‌انگاری خاص و قسمت اخیر آن بیانگر تشدید ضمانت اجرای کیفری نسبت به جرم فوق‌الذکر علیه معلولان است. نکته قابل ذکر در اینجا در ارتباط با جرم کلاهبرداری از چنین افرادی، این است که قانون‌گذار ما در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ که در صدد تشریح و تبیین جرم کلاهبرداری ساده و مشدده است، متأسفانه هیچ‌گونه حمایت ویژه از معلولان در برابر تحصیل مال از آنان با توسل به مانور متقلبانه به عمل نیاروده است. حال آنکه اصلاح قسمت اخیر ماده فوق‌الذکر راجع به کلاهبرداری مشدده لازم به نظر می‌رسد. یعنی، در کنار سه مورد ذکر شده از موارد کلاهبرداری مشدده، باید مجازات کلاهبرداری در صورتی که مجنی علیه معلول روانی و ذهنی باشد، نیز تشدید شود. زیرا، احتمال آسیب‌پذیری و فریب خوردن این دسته از معلولان در برابر مانور متقلبانه به مراتب خیلی بیشتر از سایر افراد جامعه است.

نکته قابل ذکر در ارتباط با بهره‌کشی اقتصادی، سوءاستفاده از نیروی کار معلولین است. یکی از حمایت‌های اساسی از معلولان، ممنوعیت بهره‌کشی از آنان در حد انجام کارهای سخت، زیان‌آور و یا خطرناک یا هر نوع سوءاستفاده دیگر مانند کار اجباری است. به رغم اشاره‌های مستقیم و یا غیرمستقیم قانون‌گذار انگلستان و یا ایران (مانند مواد ۳۱، ۳۲، ۹۶ قانون کار) مبنی بر جلوگیری از بکارگیری معلولان و حمایت از آنان، ولی هیچ‌گونه حمایت کیفری ویژه در قوانین این دو کشور مبنی بر ممنوعیت بکارگیری معلولان در انجام فعالیت‌هایی مانند کارهای سخت، زیان‌آور و غیره به عمل نیامده است و برای متخلفان هیچ‌گونه ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته نشده است. در حالی که پیش‌بینی چنین حمایتی از ناتوانان به دلیل وضعیت جسمانی و یا روانی و یا ذهنی خاص شان در حقوق کیفری ایران و انگلستان، همانند مسئله حمایت کیفری از کودکان، زنان و... ضروری به نظر می‌رسد. البته در انگلستان حمایت کیفری ویژه از معلولان در ارتباط با حق اشتغال آنان به اشکال مختلف در قانون مربوط به استخدام اشخاص ناتوان ۱۹۴۴ مورد پیش‌بینی قرار گرفته است که توضیحات مرتبط با این مسئله در قسمت مربوط به حمایت از معلولان در برابر خشونت و سوءاستفاده اجتماعی مورد اشاره قرار می‌گیرد. علاوه بر موارد فوق‌الذکر می‌توان به جرم «سوءاستفاده از موقعیت» به استناد ماده ۴

قانون کلاهبرداری ۲۰۰۶ انگلستان اشاره نمود که در مقام حمایت از ناتوانان در برابر سوءاستفاده اقتصادی است (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۱، صص. ۱۱۵-۱۱۶).

اساساً باید رویکرد حقوق کیفری نسبت به جرایمی که علیه ناتوانان بزه دیده ارتکاب می‌یابند، مبتنی بر تشدید مجازات است. وانگهی، در همین مورد نیز حقوق کیفری از لحاظ شیوه تشدید مجازات با توجه به نوع و ماهیت جرایم ارتكابی علیه ناتوانان و پیامدهای زیانباری که جرم ارتكابی برای آنان به همراه داشته، قائل به تفکیک شود؛ بدین توضیح که در جرایم علیه اموال که می‌توان به ویژه به مصداقی مانند کلاهبرداری اشاره کرد، به طور عمده، بزهکار ترجیح می‌دهد این جرم را که در تحقق آن علاوه بر مهارت بزهکار در به کارگیری مانورها و صحنه‌سازی‌های متقلبانه، اغفال بزه‌دیده نیز ضرورت دارد، علیه فرد ناتوان مبتلا به عقب‌ماندگی ذهنی که دارای بهره هوشی پایین‌تر از متوسط است، مرتکب شود و بدین‌سان، شیوه سهل‌تری را در فریب دادن قربانی جرم به کار گیرد (سماواتی پیروز و صادق‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۶).

#### ۴-۱. جرایم علیه تمامیت جنسی ناتوانان و سیاست‌های پاسخ‌دهی جنایی در قبال آن

این نوع از معلول آزاری از ناپسندترین رفتاری است که معمولاً نسبت به فرد معلول می‌شود. معلولان بیشتر به خاطر وابستگی‌های شدید مالی، جسمی، عاطفی و غیره به والدین و سرپرستانشان و ناتوانان روانی به ویژه بیشتر به خاطر فقدان سلامت فکری و ذهنی و عدم آگاهی از ماهیت رفتارها و آثار زیان‌بار آن در درون و بیرون از محیط خانواده مورد سوءاستفاده جنسی از سوی افرادی که بیشتر به تمتع غرایز جنسی نظر دارند، قرار می‌گیرند. با این وصف، «سوءاستفاده جنسی از معلولان» عبارتست از «هر گونه رفتار توأم با اجبار یا تحریک شخص ناتوان به انجام اشکال مختلف فعالیت‌های جنسی». برخی از اشکال سوءاستفاده جنسی عبارتند از: زنا، به عنف، لواط، پرونوگرافی، اجبار کردن ناتوان به نشان دادن آلت جنسی.

در قوانین و مقررات کیفری ایران هیچ‌گونه حمایت کیفری ماهوی ویژه از ناتوانان در برابر انواع سوءاستفاده‌های جنسی به عمل نیامده است. در حالی که در نظام عدالت کیفری ایران حمایت کیفری ویژه از معلولان به ویژه در قالب تشدید ضمانت اجرای کیفری به دلیل آسیب‌پذیری‌شان علاوه بر موارد مذکور ذیل (شامل حمایت کیفری به

عمل آمده از ناتوان در برابر سوءاستفاده‌های جنسی در حقوق جزای انگلستان)، در موارد دیگر مانند واداشتن یا تحریک ناتوان به فساد و فحشا و بهره‌برداری از آنان در فعالیت غیرمجاز سمعی و بصری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. اما در حقوق کیفری انگلستان می‌توان ادعا نمود که حمایت معلولان در برابر سوءاستفاده جنسی کامل است. به عنوان مثال، می‌توان به برخی از این قوانین به شرح ذیل اشاره کرد. به موجب قسمت الف ماده ۱۲۷ قانون سلامت روانی ۱۹۵۹ «چنانچه مردی رابطه جنسی غیرقانونی با یک زن دارای ناتوانی داشته باشد... مجرم به حساب می‌آید». منظور از شخص دارای ناتوانی یا به تعبیر دقیق‌تر «شخص معیوب<sup>۱</sup>»، شخصی که از ناهنجاری شدید - به آن مفهومی که در قانون سلامت روانی ۱۹۵۹ آمده است - رنج می‌برد. (قسمت «ب» ماده ۱۲۷ قانون فوق‌الذکر و اصلاحی ماده ۴۵ قانون جرایم جنسی ۱۹۵۶). منظور از «ناهنجاری یا اختلال شدید<sup>۲</sup>»، بر طبق بند ۲ ماده ۴ قانون سلامت روانی ۱۹۵۹ عبارتست از: «حالت یا وضعیتی از رشد ناقص یا متوقف شده ذهنی که شامل اختلاف هوشی با ماهیت و به میزنی است که شخص بیمار، توانایی زندگی کردن به طور مستقل را ندارد یا از محافظت خود به منظور مقابله با بهره‌کشی شدید عاجز است».

به موجب ماده ۱۲۸ قانون سلامت روانی، ۱۹۵۹، چنانچه مردی که کارمند یا مستخدم یا مدیر بیمارستان یا خانه پرستاری روانی است، رابطه جنسی غیرقانونی با زنی که به منظور درمان اختلال و ناهنجاری روانی به این مکان‌ها آمده است، داشته باشند، مجرم محسوب می‌شود...».

به موجب ماده ۹ قانون جرایم جنسی، ۱۹۵۹: «چنانچه شخصی یک زن معلول (معیوب) را فراهم کند تا با مردی تماس جنسی غیرقانونی در هر نقطه از جهان داشته باشد، مجرم است...».

یا به موجب بند ۱ ماده ۱۴ قانون جرایم جنسی ۱۹۵۶: «چنانچه شخصی اقدام به حمله یا تعرض جنسی زشت علیه زن یا مرد دارای ناتوانی بنماید، مجرم است...». و بر طبق بند ۴، هر گونه اجازه و یا رضایت زن یا مرد دارای معلولیت از لحاظ قانونی باعث متفی شدن جرم مذکور نخواهد شد. البته، آن شخص باید بداند یا دلیلی بر وجود ظن برای وی وجود داشته باشد مبنی بر اینکه آن زن یا مرد معیوب است.

یا فعالیت جنسی با شخص دارای معلول توسط کسی که مسئولیت مراقبت از وی را بر عهده دارد یا سبب شدن و یا تحریک کردن این امر و همچنین شرکت در فعالیت جنسی توسط مأمور مذکور در حضور شخص دارای ناتوانی و یا سبب این کار شدن در مکان‌هایی مانند خانه مراقبت، خانه محلی، خانه داوطلبان یا خانه کودکان، بیمارستان، مؤسسه پزشکی از روی علم و عمد (مواد ۳۸، ۳۹، ۴۰، و ۴۱ قانون جرایم جنسی، ۲۰۰۳).

## ۲. حمایت کیفری؛ قضایی و فراقضایی افتراقی از افراد ناتوانان

ارتقا بخشیدن به رویکرد بزه‌دیده‌محور در حقوق کیفری مستلزم آن است که با لحاظ کردن مؤلفه‌های آسیب‌پذیری در بزه‌دیده، حقوق کیفری به سکوت خود در قبال بزه‌دیدگی ناتوانان پایان بخشیده و از ظرفیت‌های خود به منظور حمایت از ناتوانان بزه‌دیده تا حد امکان بهره گیرد.

حقوق کیفری از رهگذر بالا بردن هزینه جرم برای بزهکارانی که با سوءاستفاده از وضعیت آسیب‌پذیری بزه‌دیده، وی را آماج جرم خود انتخاب می‌کنند و از طریق اعمال کیفیات مشدده نسبت به چنین جرائمی، می‌تواند نقش بسزای در تقلیل یافتن نرخ بزهکاری علیه ناتوانان بزه‌دیده ایفا کند.

بدین‌سان، لزوم حساس‌سازی حقوق کیفری هم از منظر ماهوی و هم از لحاظ شکلی نسبت به بزه‌دیدگی ناتوانان ضرورتی انکارناپذیر است. در این رهگذر می‌توان بر لزوم تقویت سیاست مشارکتی در همه سطوح تقنینی، قضایی و اجرایی و نیز جرم‌انگاری‌های ناظر به جرایم علیه اجرای عدالت تأکید کرد.

## ۲-۱. حمایت کیفری افتراقی از افراد ناتوانان

حقوق کیفری به عنوان یکی از شاخه‌های علوم جنایی حقوقی، نقش دفاع از حقوق جامعه و استقرار نظم عمومی از طریق معرفی رفتارها و کنش‌های ضد اجتماعی و پیش‌بینی واکنش‌های اجتماعی علیه آنان را بر عهده دارد تا بتواند به هدف عمده‌اش یعنی دستیابی به عدالت و اجرای دقیق آن نائل شود (کرامتی معز و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶، ص. ۳۶)؛ حقوق کیفری در یک تقسیم‌بندی اولیه به حقوق کیفری ماهوی و حقوق کیفری شکلی تقسیم می‌شود.

## ۱-۱-۲. حمایت کیفری ماهوی افتراقی از افراد ناتوانان

قوانین و مقررات کیفری ایران در مورد حمایت کیفری از ناتوانان بزه‌دیده دارای انسجام لازم نیست و اساساً مقررات پراکنده ناظر به این طیف از بزه‌دیدگان، خود حاکی از توجه ناخودآگاه قانون‌گذار کیفری به پدیده بزه‌دیدگی ناتوانان است. بدین‌سان، فقدان حمایت جامع و ضابطه‌مند در پرتو وضع مقررات و جرم‌انگاری‌های خاص و نیز عدم بهره‌گیری قانون‌گذار از سیاستی خاص و از پیش برنامه‌ریزی شده نسبت به این بزه‌دیدگان، حاکی از راهی طولانی است که قانون‌گذار در راستای حمایتی مقتضی از ناتوان بزه‌دیده، پیش رو دارد. برخورد موردی و پراکنده قانون‌گذار با مصادیقی که در آنها، فردی ناتوان، بزه‌دیده شده است، شاهدی بر این مدعاست که اساساً قانون‌گذار نسبت به اتخاذ رویکردی حمایتی و افتراقی به تناسب گونه‌های خاص بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر دارای موضع‌گیری شفاف و مبتنی بر مبنای بزه‌دیده‌شناختی نیست.

نگاهی گذرا به قوانین کیفری ایران نشان می‌دهد که نه تنها قوانین داخلی با خلأهای بی‌شماری از منظر مقررات حمایتی برای ناتوانان بزه‌دیده روبرو هستند، بلکه اساساً قانون‌گذار با وضع مقرراتی متشتت و غیرمنسجم، تابعان حقوق کیفری را نیز در درک سیاست کیفری ما نسبت به ناتوان بزه‌دیده در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز همین رویه وجود دارد هرچند بزه‌دیدگان را مورد حمایت قرار داده است ولی بزه‌دیدگان ناتوان به‌خصوص نابینایان کمتر مورد توجه واقع شده است و حقوق خاص و جداگانه‌ای برای آنها در نظر نگرفته‌اند. به عنوان مثال تشکیل دادگاه اطفال، ضرورت توجه قانون‌گذار و سیاست قانون‌گذار مبنی بر حمایت افتراقی را نشان می‌دهد. ولی متأسفانه چنین تدبیری برای نابینایان در نظر نگرفته شده است. امید است که قانون‌گذاران در تدوین سیاست جنایی خود خلأهای موجود در خصوص بزه‌دیدگان ناتوان را از میان بردارد و در حفظ حقوق آنها کوشا باشد.

در پاره‌ای موارد، مصالح اجتماعی ایجاب می‌کند که جرم‌انگاری جنبه افتراقی و ویژه به خود گیرد که از آن می‌توان تحت عنوان «**جرم‌انگاری حمایتی**» نیز تعبیر کرد. در واقع، این نوع جرم‌انگاری مبتنی بر وضعیت آسیب‌شناسانه خاص بزه‌دیده یعنی همان اشخاص معلول و ناتوان است (رایجیان، ۱۳۸۴، ص. ۷۹)؛ زیرا: اولاً، این دسته از اشخاص به



خاطر داشتن وضعیت و یا موقعیت خاص بیش از دیگران در برابر رفتارهای مجرمانه آسیب‌پذیرند. ثانیاً، فرض بر این است که بزه‌کار انسانی آزاد و عاقل است و از روی فکر و با محاسبه سود و زیان حاصله از عمل ارتكابی تصمیم به ارتكاب عمل مجرمانه می‌گیرد و معمولاً زیان حاصله از ارتكاب جرم نسبت به اشخاص معلول بر اساس تئوری «حسابگری جزایی» ژرمن بتام کمتر است و ثالثاً، معمولاً میزان شدت وخامت آثار زیان‌بار جرم بر روی این دسته از اشخاص به مراتب بیش از سایرین است. از این‌رو، اشخاص معلول شایسته و نیازمند حمایت ویژه در کنار سایر حمایت‌ها هستند.

جرم‌انگاری حمایتی - همان‌طوری که دیگران هم اعتقاد دارند (عباچی، ۱۳۸۴: ص. ۱۸۶) به دو صورت امکان‌پذیر است: نخست، جرم‌انگاری فعل یا ترک فعل‌هایی که با توجه وضعیت خاص اشخاص معلول علیه آنان ارتكاب می‌یابد. در قوانین و مقررات ایران می‌توان نمونه‌هایی از این جرم‌انگاری حمایتی را به طور پراکنده مشاهده نمود. دیگری، جرم‌انگاری عدم گزارش و اعلام جرایم علیه اشخاص معلول است.

یکی دیگر از سازوکارهای مهم حقوق کیفری ماهوی برای مبارزه با بزه‌دیدگی افراد معلول، «کیفرانگاری حمایتی» و یا به تعبیری «پیش‌بینی کیفیات مشدده مجازات» است<sup>۴</sup>، به گونه‌ای که اهمیت این نوع روش حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر و ارتباط با آن «تئوری اقتصادی جرم» یا «نظریه پاداش و مجازات» گاری بیکر یا نظریه «حسابگری جزایی» بتام به وضوح آشکارتر از مسئله «جرم‌انگاری حمایتی» احساس می‌شود. موضوع کیفرانگاری حمایتی، تنها به مسئله تشدید مجازات از لحاظ نوع و میزان محدود نمی‌شود بلکه قلمرو آن بسیار وسیع است؛ که علاوه بر راهکار تشدید نوع و میزان مجازات، شامل ضمانت‌اجراهای دیگر در کنار مجازات اصلی<sup>۵</sup> نیز می‌شود.

## ۲-۱-۲. حمایت کیفری شکلی افتراقی از افراد ناتوانان

بزه‌دیدگی‌شناسی حمایتی در راستای تحقق بخشیدن به همه ابعاد اندیشه‌های محوری خود، که همانا معطوف کردن توجه عدالت کیفری به حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان است، سیطره چتر حمایت خود را تا حد امکان از رهگذر تخصصی کردن سازوکارهای جبرانی و حمایت، بر همه اقشار آسیب‌پذیر جامعه که بزه‌دیدگی تشدید یا در معرض خطر بزه‌دیدگی قرار دارند، گسترش می‌دهد. قانون‌گذار کشور ما نیز در تدوین قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۲ به این نوع از حمایت افتراقی از بزه‌دیدگان خاص پرداخته است. از جمله این تدابیر و نیازهای ناتوانان در حقوق جزای شکلی عبارتند از:

- ۱- غیرقابل گذشت بودن جرایم علیه ناتوانان و عدم نیاز به شکایت شاکی خصوصی.
- ۲- بکارگیری افراد خبره متناسب با نوع ناتوانی آنان.

قانون‌گذار در قانون جدید به حمایت خاصی از این اقشار ناتوان پرداخته است که نشان‌دهنده توجه قانون‌گذار به تمامی اقشار بزه‌دیده است با توجه به ظهور علوم جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی و تحت تأثیر قرار دادن بسیاری از علوم جنایی به خود سبب شده است بسیاری از دادرسی‌های کشورهای اسلامی ما، متأثر از این علم باشد که منطبق با موازین شرعی و اصول مسلم اسلامی است. در ادامه این بحث به تحلیل بزه‌دیده‌شناسی چندین ماده از ق.آ.د.ک که مختص به حمایت از بزه‌دیدگان خاص است می‌پردازیم ولی با وجود این، بهتر بود که در این ماده از نابینایان نیز نام برده می‌شد.

مهم‌ترین ماده‌ای که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در مرحله تعقیب و تحقیق از طفل و مجنون معلول بزه‌دیده حمایت کرده است ماده ۷۰ این قانون است. مقامات قضایی در صورت اعلام شکایت خصوصی مکلف به شروع تحقیقات هستند. این حق انتخاب در اعلام شکایت، نقطه قوتی برای بزه‌دیده است که بتواند از طریق مصالحه با مجرم در قبال اعلام شکایت به احقاق حق خود اقدام کند. در صورتی که بزه‌دیده اهلیت و توان لازم جهت طرح دعوی نداشته باشد به استناد ماده ۷۰ و ۷۱ قانون مذکور و همچنین ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰؛ دادگاه تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم، در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده باشد یا مداخله در آن داشته باشد شخص دیگری را به عنوان قیم موقت تعیین می‌کند یا خود امر جزایی را تعقیب نموده و اقدامات لازم را برای حفظ و جمع‌آوری دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می‌آورد. بنابراین می‌توان گفت حقوق بزه‌دیدگان نابینا مبنی بر اعلام شکایت و تضييع حقوق آنان مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است.

بزه‌دیده‌شناسی حمایتی در راستای تحقق بخشیدن به همه ابعاد اندیشه‌محوری خود، که همانا معطوف کردن توجه عدالت کیفری به حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان است، چتر

حمایت خود را تا حد امکان از رهگذر تخصصی کردن سازوکارهای جبرانی بر همه اقشار آسیب‌پذیر جامعه که بزه‌دیده شده‌اند گسترده است. بزه‌دیده ناتوان، به منزله مصداقی از بزه‌دیدگان خاص و آسیب‌پذیر مانند (نابینایان) مورد توجه خاص بزه‌دیده‌شناسی حمایتی قرار گرفته‌اند.

یکی دیگر از مواردی که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که به حمایت از بزه‌دیدگان خاص، به خصوص ناتوانان پرداخته است ماده ۲۰۰ و ۲۰۱ ق.آ.د.ک است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار ایران در ماده پیش، از بزه‌دیدگان معلول «ناتوان» جسمی حمایت کرده از طرف دیگر دامنه حمایت خود را گسترش داده، متهمین و شهود و مطلعین را نیز تحت پوشش خود قرار داده است. افرادی که در مقام متهم، شاهد یا مطلع دارای ناتوانی جسمی است در کنار بزه‌دیدگان خاص از حمایت مندرج در ماده ۲۰۰ و ۲۰۱ بهره‌مند می‌شوند.

نقطه قوت این ماده در این است که چنانچه بزه‌دیده قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نباشد یا کر و لال باشد، دادگاه می‌تواند با استفاده از اشخاص خبره تحقیقات لازم را به عمل آورد. بنابراین، آسیب‌پذیری بزه‌دیده ایجاب می‌کند که شخصی خبره با بکارگیری روش‌های کارشناسانه و بر مبنای آموزش که دیده است به تناسب نوع میزان آسیب‌پذیری بزه‌دیده مبادرت به تحقیق کند.

هر چند نقطه قوت ماده پیش گفته این است که چنانچه بزه‌دیده کر یا لال باشد، دادگاه می‌تواند با استفاده از اشخاص خبره تحقیقات لازم را به عمل آورد و بنابراین، ناتوانی بزه‌دیده ایجاب می‌کند که شخص خبره با به کارگیری روش‌های کارشناسانه و بر مبنای آموزشی که دیده است، به تناسب نوع و میزان ناتوانی بزه‌دیده مبادرت به تحقیق کند، لیکن این ایراد بر ماده ۲۰۱ و ۲۰۰ وارد است که مقنن گستره این ماده را فقط به اشخاص کر یا لال محدود کرده است؛ حال آنکه، در مورد تحقیق از سایر ناتوانان بزه‌دیده به خصوص نابینایان نیز استفاده از افراد خبره، ضروری است تا به ویژه در وقوف یافتن از اوضاع و احوال پیش‌جنایی و نیز شدت و ضعف آثار زیان‌بار ناشی از جرم علیه فرد ناتوان به دادگاه مساعدت کند. بنابراین، اختیار دادگاه در استفاده از اشخاص خبره به منظور تحقیق از ناتوانان بزه‌دیده، فاقد توجیه به نظر می‌رسد.

پیش از قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ هیچ صحبتی از حضور و مداخله

سازمان‌های مردم‌نهاد نشده بود. بنابراین یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ در خصوص توجه به حقوق بزه‌دیده، محقق ساختن آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی و مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در تعقیب مجرمین است (مهمدی، ۱۳۹۲، ص. ۲۹)؛ با توجه به ماده ۶۶ قانون آ.د.ک مشارکت، سازمان‌های مردم‌نهاد را به برخی از جرائم خاص یا فاقد بزه‌دیده و بزه‌دیدگانی که ناتوانند، محدود کرده‌اند. البته در مواردی که جرائم دارای بزه‌دیدگان خاص هستند تحصیل رضایت آن‌ها برای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد ضروری است؛ بنابراین، وضع ماده ۶۶ ق.آ.د.ک اقدامی مثبت در راستای تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی و مردمی در فرآیند کیفری کمک به بزه‌دیده که شرایط خاص برای ادامه و پیگیری جرم را ندارد، است. در واقع می‌توان گفت رویکرد مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد متأثر از بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است.

## ۲-۲. حمایت قضایی افتراقی از افراد ناتوانان

تأمین حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان اعم از مادی و معنوی را می‌توان در قالب حمایت‌های قضایی و فراقضایی مورد توجه قرار داد. حمایت قضایی شامل آن دسته از حقوق و امتیازاتی می‌شود که بزه‌دیدگان باید در فرایند دادرسی کیفری یعنی از زمان اعلام جرم تا اجرای حکم و نیز جبران ضرر و زیان برخوردار شوند.

برای اینکه این نوع حمایت از بزه‌دیدگان در انجام رسالت‌ها و اهداف ترسیم شده برای سیاست جنایی مؤثر و مفید واقع شوند و نیز تلاش‌ها و هزینه‌های گوناگون اعم از انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و غیره در نظر گرفته شده برای انجام و اجرای برنامه‌های حمایتی قضایی و حقوقی بیهوده به هدر نرود و نهایتاً مقبولیت جامعه به طور کلی و نظام عدالت کیفری به طور خاص در اذهان عمومی زیر سؤال نرود، باید مبتنی بر یکسری از ضوابط ویژه بوده و هر یک از مأمورین و یا نهادهای درگیر در فرایند قضایی و اجرایی باید آنها را رعایت کنند (سماواتی پیروز، ۱۳۸۸، صص. ۳۴۱-۳۴۲).

به عنوان مثال، آموزش مأموران پلیس از نیازهای بزه‌دیدگان و همدردی با آنان، چگونگی طرح سؤال و بازجویی از بزه‌دیده، همراهی بزه‌دیدگان تا خدمات پزشکی اورژانسی در مواردی که بزه‌دیده معلول است، آموزش آنان در خصوص گروه‌های ویژه‌ای از بزه‌دیدگان تأثیر جرم بر روی آنان، تشکیل نهادی به نام دایره ارشاد و معاضدت

قضایی بزه‌دیدگان معلول و ناتوان به منظور تدارک تدابیر حمایتی برای آنان، حمایت از گروه‌های ویژه از بزه‌دیدگان مانند سرعت بخشیدن به محاکمه‌ها در پرونده‌هایی که پای بزه‌دیدگان معلول در میان است، تشویق ایجاد دادگاه‌هایی که به طور ویژه برای حمایت از این دسته از بزه‌دیدگان طرح‌ریزی و تجهیز شده‌اند، مجاز شمردن استفاده از گواهی‌های ضبط شده ویدیویی در پرونده‌هایی که بزه‌دیدگان معلول هستند، برگزاری رسیدگی کیفری به طور غیرعلنی برای این‌ها، غیرقابل گذشت دانستن جرایم علیه آنان، گرفتن وکیل برای آنان حتی به صورت رایگان، لزوم صدور قرار تأمین کیفری نسبت به متهم در پرونده‌هایی که بزه‌دیدگان معلول وجود دارند، آموزش مأمورین نهادها و مراکز درمانی، مشاوره‌ای، روانپزشکی درباره چگونگی رفتار با بزه‌دیدگان و جبران ضرر و زیان وارده به آنان، حق اظهارنظر بزه‌دیدگان در زمینه تأثیرگذاری جرم بر آنان برای هیئت‌های آزادی مشروط، سازمان ملل متحد در اسناد گوناگون به ویژه در اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵ به طور مستقیم و غیرمستقیم بر لزوم تضمین حقوق بزه‌دیدگان و حمایت حقوقی و قضایی از آنها در فرایند دادرسی کیفری اشاره داشته است.

به عنوان مثال، بند چهارم رفتار منصفانه و دسترسی به عدالت، یعنی رعایت احترام به منزلت بزه‌دیده، بند ششم: (a) حق آگاه‌سازی یا اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده؛ بند ششم (b) حق ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های بزه‌دیدگان؛ بند ششم (d) تأمین امنیت بزه‌دیدگان؛ بند هشتم و نهم. فراهم کردن سازوکارهای جبران خسارت، از جمله جلوه‌هایی حمایت حقوقی و قضایی تلقی می‌شود.

### ۲-۳. حمایت فراقضایی افتراقی از افراد ناتوان

حمایت فراقضایی شامل آن دسته از حمایت‌ها و کمک‌های غیرحقوقی و غیرقضایی می‌شود که اغلب در قالب «سیاست جنایی مشارکتی»<sup>۶</sup> و بعضاً «سیاست جنایی تقنینی»<sup>۷</sup> و در مرحله قبل از فرایند کیفری و یا حین آن به ویژه در مرحله اجرای حکم و جبران ضرر و زیان به کار گرفته می‌شوند. **حمایت فراقضایی** نه تنها دربرگیرنده حمایت پزشکی و کلینیکی از بزه‌دیده به منظور رفع آسیب‌های بدنی و روانی وارده به وی در مراکز درمان و پزشکی است بلکه شامل حمایت‌های عاطفی و حیثیتی، حقوقی، اجتماعی

و حتی مالی‌ای نیز می‌شود که معمولاً توسط نهادهای مردمی و خودجوش به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و جلوگیری از تشدید آلام و فشارهای وارده به آنان صورت می‌گیرد (عظیم‌زاده، ۱۳۸۴، صص. ۲۴۱-۲۴۸)، تأسیس کمیسیون جبران خسارت دولتی یا مردمی به منظور حمایت مالی از طریق پرداخت پول تا اندازه معینی به بزه‌دیدگان به طور عام یا در راستای حمایت از گروه‌های خاصی از بزه‌دیدگان مانند بزه‌دیدگی ناشی از ناتوانی؛ تأسیس مراکز درمانی فوری جهت حمایت پزشکی از بزه‌دیدگان برای جبران آسیب‌های بدنی و روانی وارده به آنان؛ تأسیس مراکز مشاوره روان‌شناختی و روان‌پزشکی به بزه‌دیدگان جهت حمایت از آنان در برابر درد و رنج‌های عاطفی و حیثیتی وارده به آنان با بکارگیری از دانش و تجربیات روان‌شناسان و روان‌پزشکان متخصص و با تجربه؛ ایجاد انجمن‌های کمک به بزه‌دیدگاه جهت حمایت‌های مالی، عاطفی، حقوقی و اجتماعی لازم به بزه‌دیدگان یا ارائه خدمات اجتماعی در مواردی مانند تأمین امنیت اجتماعی برای بزه‌دیدگان به ویژه بزه‌دیدگان ناتوان، تأمین مراقبت‌های پزشکی و سایر خدمات اجتماعی لازم برای بزه‌دیدگان و همچنین فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت بهره‌مندی بزه‌دیده از سطح زندگی مناسب و بازگشت به حالت قبل از بزه‌دیدگی از جمله حمایت فراقضایی تلقی می‌شود.

به عنوان مثال، ارائه مشاوره‌ها و خدمات حقوقی به بزه‌دیدگان در زمینه‌هایی چون حق مراجعه به دادگاه‌ها، حق گرفتن وکیل، حق طرح دعوای ضرر و زیان، حق تجدیدنظرخواهی، انتخاب وکیل برای آنان در صورت ناتوانی از پرداخت حق‌الزحمه، همراهی با آنان در رفتن به دادگاه یا ارائه خدمات اجتماعی در مواردی مانند تأمین امنیت اجتماعی برای بزه‌دیدگان به ویژه بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در برابر تهدیدها و آسیب‌های احتمالی، تأمین مراقبت‌های پزشکی، و سایر خدمات اجتماعی لازم برای بزه‌دیدگان، فراهم نمودن زمینه‌های لازم جهت بهره‌مندی بزه‌دیده از سطح زندگی مناسب و بازگشت به حالت قبل از بزه‌دیدگی.

در پاراگراف چهاردهم اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۸۵، به مسئله حمایت فراقضایی از بزه‌دیدگان یعنی حمایت‌های پزشکی، مالی، عاطفی، حقوقی و اجتماعی نیز اشاره شده است. در نظام عدالت جنایی

ایران به این امر بیشتر در قالب سیاست جنایی تقنینی - البته به شکل تا حدودی نامنسجم - توجه شده است؛ در حالی که موضع سیاست جنایی تقنینی انگلستان از لحاظ حمایت فراقضایی از بزه‌دیدگان نسبتاً جامع و منسجم به نظر می‌رسد. دلیل این مدعا را می‌توان در وضع آیین‌نامه اجرایی راجع به بزه‌دیدگان جرم ۲۰۰۵ و منشور بزه‌دیدگان ۱۹۹۶ مشاهده نمود.

### نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت معلولین از جنبه‌های مختلف در ایران حاکی از وجود نابرابری‌های زیادی در برخورداری از شرایط زندگی مطلوب معلولان می‌باشد و نشان‌دهنده عدم کفایت قوانین و مقررات با رویکرد حق‌مدارانه در حمایت از معلولین است و این شرایط با اصل عدالت و انصاف که همه افراد جامعه را در برخورداری از حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برابر می‌داند، سازگار نیست و منجر به بزه‌دیده واقع شدن شخص معلول خواهد شد؛ لازم است تدابیری جامع و فراگیر اندیشیده شود تا گذر از نگاه ترحم‌آمیز به رویکرد انسانی کرامت‌محور و از منظر انسانی برابر اتفاق افتد و بتوان شاهد تحقق ظهور و بروز اجتماعی و حقوقی شایسته معلولان در جامعه بود.

از منظر حمایت کیفری ماهوی افتراقی بر پایه معیار آسیب‌شناسانه «ناتوانی»، موضع مقنن جامع و ضابطه‌مند نبوده و دایره حمایت تنها به موارد خاص و اندکی محدود می‌شود. بنابراین، حقوق کیفری فعلی ایران از لحاظ حمایت کیفری ماهوی از ناتوانان نیز نیازمند اصلاحات و الحاقات زیادی در قوانین موضوعه دارد؛ اما دایره حمایت کیفری شکلی افتراقی از ناتوانان در ایران همانند کودکان به جز در موارد خاص و استثنایی مانند مواد ۶۶ و ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۲۲ قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب ۱۳۹۶؛ افتراقی، جامع و ضابطه‌مند نیست.

حقوق کیفری از لحاظ وضع قوانین کیفری مناسب به منظور حمایت از ناتوانان بزه‌دیده قصور ورزیده است. حتی در مواردی حمایت‌های تبعیض‌آمیز را در مقایسه با سایر تابعان حقوق کیفری اعمال کرده؛ به طوری که، مقنن نه تنها به آسیب‌پذیری ناتوان بزه‌دیده توجه نکرده، بلکه حمایت کیفری خود را دست‌کم، به همان اندازه حمایت اشخاص فاقد مؤلفه‌های آسیب‌پذیری نیز از ناتوانان بزه‌دیده دریغ ورزیده است. تسری

حمایت کیفری قانون‌گذار از ناتوانان ذهنی به افراد مبتلا به ناتوانی جسمی می‌تواند علاوه بر اثر پیشگیرانه و بازدارندگی آن برای مرتکبین و افزایش هزینه جرم برای آنان، مانع جابجایی بزه‌کاری نیز گردیده و بیانگر حمایت برابر قانون‌گذار از این بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر می‌باشد.

بسترسازی اجتماعی و فرهنگی در جهت ارتقای نگرش‌های عمومی به این حق، نیاز به سازوکارهای قانونی شایسته و سیاست‌گذاری عمومی دولتی دارد که غفلت از آن، استمرار نگاه ترحم‌آمیز فارغ از کرامت را در پی دارد و همواره آن‌ها و سرپرستانشان خجل از حضور در جامعه می‌باشند. عمده‌ترین ضعف سازوکارهای قانونی که سبب نادیده گرفتن این حق و سایر حق‌های معلولان شده می‌توان در «نگاه ترحم‌محورانه» و نه «رویکرد حق‌مدارانه» در این زمینه دانست که به تبع آن همواره عناوین مقررات قانونی را با واژه «حمایت» آغاز می‌کنند.

## یادداشت‌ها

۱. از ناتوانان بزه‌دیده تحت عنوان «بزه‌دیدگان خموش یا ساکت» یاد شده است. دلیل این امر ناشی از حاشیه‌نشینی این دسته از بزه‌دیدگان و مغفول ماندن آنان در نظام عدالت کیفری که خود ناشی از فقر منابع پژوهشی در زمینه حقوق و نیازهای آنان است، می‌باشد (سماواتی پیروز، ۱۳۸۸، ص. ۱۳).

2. Defective

3. Sever subnormality

۴. پیش‌بینی سازوکار پیشگیرانه از نوع «کیفرانگاری حمایتی» از هر نوع آن‌گویی یکی از اصول اساسی حاکم بر مجازات‌ها یعنی «اصل تناسب جرم با مجازات» است. بر اساس این اصل بایستی میان نوع جرم و شدت و وخامت آن و میزان خسارات وارده به منافع و مصالح عمومی ناشی از آن با مجازات یک نوع هماهنگی و تناسب وجود داشته باشد. لذا در باب لزوم حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر، ضرورت‌ها و منافع اجتماعی و فردی ایجاب می‌کند کیفر مرتکبان جرایم علیه اشخاص آسیب‌پذیر در مقایسه با سایر اشخاص شدیدتر و سنگین‌تر باشد. زیرا، در غیر این صورت باعث ترویج نوعی بی‌عدالتی در سطح جامعه و نظام عدالت کیفری خواهد شد. درباره اهمیت این مسئله گفته شده است: «ضمانت اجراهای جزایی به عنوان ابزاری برای کاهش نرخ جرایم و کاهش خطر بزه‌دیدگی ناشی از آماج بالقوه



به حساب می‌آیند. لذا، ضمانت اجراهای شدیدتر و سنگین‌تر متضمن آماج آسیب‌پذیری کمتری هستند و چون بر اساس فاکتورهایی مانند سن، جنس، موقعیت برخی گروه‌ها به عنوان آماج جذاب‌تری برای مجرمین هستند، باید به ضمانت اجراهای سنگین‌تر روی آورد (Guttel and Medina, 2007, p. 30).

۵. در همه موارد، سیستم تشدید مجازات به لحاظ نوع و میزان نمی‌تواند اهداف سیاست جنایی را در زمینه پیشگیری از جرم و بزه‌دیدگی علیه اشخاص آسیب‌پذیر برآورده نماید. از این‌رو، بهتر است که گونه‌های دیگری از کیفرانگاری حمایتی نیز به آن افزوده شود. از این‌رو، روش اخیر می‌توان تحت عنوان «ضمانت اجراهای ترمیمی و تبعی» و یا به تعبیر برخی «کیفرهای دنباله‌دار» یاد کرد (عباچی، ۱۳۸۴، ص. ۱۹۵) که در نظام جزایی کشور نیز این مسئله بی‌سابقه نیست و در قوانین و مقررات و مختلف مانند مواد ۲۳ و ۲۵ ق.م.ا. ۱۳۹۲ نیز این امر مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

۶. سیاست جنایی مشارکتی یعنی یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است (جمشیدی، ۱۳۹۵، ص. ۸۶).

۷. سیاست جنایی قانونی یا تقنینی عبارت است از فعالیت مقنن و مقررات و اصولی که در قوانین عادی با الهام از قانون اساسی توسط مقنن پیش‌بینی می‌گردد؛ به طور خلاصه می‌توان گفت که سیاست جنایی تقنینی همان تدبیر قانون‌گذار در مورد واکنش علیه جرم است و به نظام سیاسی هر کشور بستگی دارد (رحمانی، ۱۳۹۴، ص. ۲۹)؛ به عبارت دیگر سیاست جنایی تقنینی با استفاده از ابزار قوانین که شامل قانون اساسی، قوانین جزایی و آیین دادرسی کیفری می‌باشد.

#### کتابنامه

۱. توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۳). اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات به مناسبت نکوداشت دکتر آشوری). تهران: انتشارات سمت.
۲. جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۵). سیاست جنایی مشارکتی. تهران: انتشارات میزان.
۳. حاجی تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۹۱). بزه‌دیده شناسی حمایتی/افتراقی. تهران: انتشارات جنگل.

۴. حسینی، سیدحسین و صفری، فاطمه (۱۳۸۷). معلولیت، طرد و فقر اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۳۰-۳۱.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. تهران: انتشارات دادگستر.
۶. رحمانی، محمد (۱۳۹۴). مبانی سیاست جنایی تراز جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مجد.
۷. زرنشان، شهرام (۱۳۸۷). سازوکارهای حمایت از حق اشتغال اشخاص دارای معلولیت در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۳، بهار و تابستان.
۸. سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۸). ناتوانان بزه‌دیده در پرتو رهیافت جرم‌شناسی و قوانین کیفری در حقوق ایران و انگلستان. رساله دکتری، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۹. سماواتی پیروز، امیر و صادق‌نیا، داوود (۱۳۹۶). پیشگیری از بزه‌دیدگی ناتوانان؛ پایان سکوت حقوق کیفری. همایش ملی پیشگیری از جرم در قلمرو مطالعات حقوق کیفری، علوم اجتماعی و انتظامی، اسفند ماه.
۱۰. عباچی، مریم (۱۳۸۴). رهنمودهای حقوق کیفری ماهوی در قبال کودکان بزه‌دیده. مجله حقوقی دادگستری، ۵۳-۵۲، پاییز و زمستان.
۱۱. عظیم‌زاده، شادی (۱۳۸۴). حمایت کیفری از زنان در برابر خشونت (در مقایسه حقوق ایران و آمریکا)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
۱۲. قاری سیدمحمدی، سیدمحمد (۱۳۸۷). تحول گفتمان: حقوق و آزادی‌های معلولان در آئینه حقوق بشر معاصر. مجله پژوهش‌های حقوقی، ۱۴.
۱۳. کرامتی معز، هادی و چاووشی، محمدصادق (۱۳۹۷. الف). عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی مجازی تلگرام و اینستاگرام. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اخلاقی، سال نهم، ۲.
۱۴. کرامتی معز، هادی و چاووشی، محمدصادق (۱۳۹۷. ب). پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال در آموزه‌های قرآنی. فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۹، ۳۵.
۱۵. کرامتی معز، هادی و حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۶). تقابل ضمانت اجراهای کیفری قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱. فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه پیشگیری از جرم و حقوق.
۱۶. کرامتی معز، هادی و عبدالهی، سامان (۱۳۹۶). بایسته‌های جرم‌انگاری در حقوق خانواده با تأکید بر حفظ کیان خانواده. قم: انتشارات نوید حکمت.
۱۷. کرامتی معز، هادی و عبدالهی، سامان (۱۳۹۷). پیشگیری از بزه‌دیدگی ناشی از بی‌توجهی به

- اطفال. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوازدهم، ۴۶.
۱۸. محمدی، حمزه (۱۳۹۴). تبعیض روا در نظام حقوقی ایران. تهران: انتشارات مجد.
۱۹. مصفا، نسرین (۱۳۸۱). اقدامات بین‌المللی در حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۵۸.
۲۰. محمدی، گلشن (۱۳۹۲). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه کاشان.
21. Guttel. Ehud and Medina, Barak (2007). "**Less crime, more (vulnerable) victims: Game Theory and the Distributional Effects of criminal sanctions**", Review of law and Economics, Number 3&2, This Article were Presented at the European Law & Economics Association Annual Meeting.
22. Pedhy, Prafllan (2006). **Crime and criminology**. Vol. 3.